

An analytical approach to Ila's preliminary abrogation with a history-oriented approach to views

Rizvan Jalalifar^{*}, Susan Ale-Rasoul^{}**

Mahdi Mehrizi^{*}**

Abstract

Ayah Ila is one of the verses related to women's rights in the Qur'an, where various views have been expressed about the ruling. Considering the connection between the aforementioned ruling and women's sexual rights, the present research, by using the method of textual research and according to the time course of the writings, has investigated different viewpoints and It has come to the conclusion that: from ancient times until now, 3 views have been raised about Ila, which are: 1- Absolute acceptance of Ila; 2- Conditional acceptance of Ila; 3- Preliminary abrogation of Ila. Among the three mentioned points of view, the third point of view is preferable based on the following arguments: 1- The approach of Islam in reforming the false cultures of Jahili was a gradual approach, but the full implementation of these reforms was not possible during the limited period of the Prophethood; 2- According to Islam's efforts to revive and elevate the position of women, Ila's ruling contradicts the dignity of women and their sexual rights; 3- Islam has not commented on the oppressive factors of Ila, but has

* Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Karaj Azad University, rezvan_ja@yahoo.com

** Professor of all Qur'anic sciences and Islamic mysticism, Islamic Azad University, Karaj branch
(Corresponding Author), susan_alerasol@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and
Research Unit, Tehran, toosi217@gmail.com

Date received: 2023/07/12, Date of acceptance: 2023/08/31



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

only reduced its time, which also indicates the lack of immortality of the
aforementioned ruling

Keywords: Ila, preliminary abrogation, ignorance, woman's dignity, Women's rights.



نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت نگاه تاریخ محور به نگره‌ها

رضوان جلالی فر*

سوسن آل رسول**، مهدی مهریزی***

چکیده

آیه ایلاء از جمله آیات مرتبط با حقوق زنان در قرآن است که درباره حکم موجود در آن، نگره‌های مختلفی بیان شده است. جستار کتابخانه‌ای حاضر با نظر داشت پیوند میان حکم مزبور با حق جنسی زنان، با بهره‌گیری از روش متن‌پژوهی و با تکیه بر دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان و با توجه به سیر زمانی نگاه‌ها، به بررسی نگره‌های مختلف پرداخته و بدین رهیافت رسیده است که: از دوران متقدم تا کنون، ۳ نگره درباره ایلاء مطرح شده است که عبارت‌اند از: ۱- پذیرش مطلق ایلاء؛ ۲- پذیرش مشروط ایلاء؛ ۳- نسخ تمهیدی ایلاء. از میان سه دیدگاه مزبور، دیدگاه سوم بر پایه ادله ذیل ارجحیت دارد: ۱- رویکرد اسلام در اصلاح فرهنگ‌های نادرست جاهلی، رویکردی تدریجی بوده اما فعلیت‌بخشی تمام و کمال به این اصلاحات در دوران محدود رسالت میسر نبوده است؛ ۲- با توجه به تلاش اسلام برای احیاء و ارتقای جایگاه زن، حکم ایلاء با کرامت زن و حق جنسی او تنافی دارد؛ ۳- اسلام، به عوامل ظلم‌آمیز ایلاء تبصره‌ای نزده بلکه تنها زمان آن را تقلیل داده است، که این مسئله نیز از عدم جاودانگی حکم مزبور حکایت دارد.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، rezvan_ja@yahoo.com

** استاد تمام علوم قرآن و عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج (نویسنده مسئول)،

susan_alerasol@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، toosi217@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: ایلاء، نسخ تمهیدی، جاهلیت، کرامت زن، حقوق زنان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

بیان اندیشه‌ها و نظریه‌پردازی درباره گزاره‌ها و آموزه‌های قرآنی و واکاوی در مفاهیم و مدالیل آیات، دارای قدمتی طولانی و همزاد با نزول قرآن است اما این مسئله در عصر معاصر به‌خاطر مقتضیات گوناگون، رشدی دوچندان یافته و سبب بروز و ظهور نگره‌هایی نوین شده است تا از یک‌سو شبهات و ابهامات را از دامن آیات بزدايد و از دیگر سو، قرآن را برای مخاطبان امروزی فهم‌پذیرتر سازد. از جمله آیاتی که با رویکرد مزبور، نیاز به بازکاوی تفسیری دارد آیه‌ای مسمی به ایلاء است که تعبیر آن در مصحف شریف چنین است: «اللَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرْبُصُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ*» و «إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»: «برای کسانی که سوگند یاد می‌کنند [که از آمیزش] با زنان خود دوری گزینند، [شرعاً] چهار ماه مهلت است، چنانچه [در این مدت به آنچه مقتضای زناشویی است] بازگشتند [گاهی بر آنان نیست]؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است*» و اگر [برای پایان یافتن مشکلات] تصمیم به طلاق گرفتند، [در صورت رعایت شرایط مانعی ندارد] مسلماً خدا [به گفتار و کردارشان] شنوا و داناست.» (بقره/ ۲۲۶-۲۲۷).

از ظاهر آیه شریفه فهم می‌شود که خداوند با نظر داشت این بازه زمانی ۴ ماهه، به نفع مرد قضاوت کرده و حق زن را کم‌اهمیت انگاشته است. از این رو، جستار حاضر در صدد است تا با بهره‌گیری از منابع و مآخذ مرتبط و تحلیل داده‌های موجود، دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان را درباره ایلاء بکاود و از گذرگاه این پژوهش، به این سوال پاسخ دهد که: قرآن‌پژوهان در سده‌های مختلف چه نظریاتی درباره ایلاء داشته‌اند و نسخ تمهیدی حکم

۱-۱ پیشینه پژوهش

در رابطه با ایلاء، مطالب پراکنده‌ای - در قالب مقاله - در فضای مجازی و برخی پایگاه‌های اینترنتی مانند ویکی‌فقه و ... منتشر شده است اما بررسی پایگاه مقالات حاکی از آن است مقاله‌ای که در یکی از نشریه‌ها به چاپ رسیده و با نگاهی تحلیلی و شبهه‌پژوهانه به این مسئله پرداخته باشد، تا کنون به رشته تحریر درنیامده است. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «بررسی تعلیق حقوق زنان با رویکردی به تنقیح مناط در احکام ایلاء» توسط عبدالهادی اخوت درباره ایلاء

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۴۳

نگاشته شده که نوع نگاه آن به مسئله و زوایایی که بررسی نموده است، با نگاشته حاضر تفاوت دارد.

۲. مفهوم «ایلاء» و شرایط تحقق آن

واژه ایلاء از ریشه «ا - ل - ی» به معنای سوگند یاد کردن (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱/۴۶۳) و در اصطلاح شرعی، سوگندی است از سوی زوج برای ترک آمیزش - بیش از ۴ ماهه - با همسر دائمی اش که با وی مباشرت کرده است (همان: ۴۶۳؛ ایبازی، ۱۴۰۵: ج ۱۶۵/۹). پیشینه ایلاء به دوران جاهلیت بازمی‌گردد که شوهر برای زیان رساندن به همسر خویش، بر ترک آمیزش با وی تا مدتی سوگند یاد می‌کرد (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۲/۳۳۸).

برای محقق شدن ایلاء، شروطی گفته‌اند که ذیلاً از نظر می‌گذاریم:

شرط اول: یکی از شروط ایلاء که در واقع، اصل ایلاء را پی‌ریزی می‌کند و درباره آن اختلاف نظری میان علمای فریقین وجود ندارد، سوگند خوردن است. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است که تحقق ایلاء به این است که مرد به همسرش بگوید: به خدا سوگند! تو را به خشم می‌آورم و در حق تو بدی می‌کنم و سپس او را ترک کرده و با او آمیزش نکند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲۲/۹۴۵). طبق دیدگاه فریقین، مؤولی باید به خدا سوگند یاد کند که با عیال خود نزدیکی و مباشرت نکند (بروجردی، ۱۳۶۶: ج ۱/۳۳۳) و اگر به غیر خدا قسم بخورد، ایلاء واقع نمی‌شود. بر اساس شرط مزبور اگر مردی بدون سوگند خوردن به خدا، از مباشرت با همسر خود خودداری کند حتی اگر ۴ ماه یا بیشتر طول بکشد، ایلاء محسوب نمی‌شود بلکه سوء معاشرت تلقی شده و این حق را برای زوجه ایجاد می‌کند که با رجوع به دادگاه، مرد را برای مصالحه یا طلاق تحت فشار قرار دهد (نک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲: ج ۳/۶۲۱-۶۲۳؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۱/۴۰۱).

شرط دوم: از دیدگاه علمای فریقین، بالاتفاق، مدت زمان قسم بر ترک آمیزش - که در زمان جاهلیت یکسال یا دو سال و یا بیشتر و گاه مادام‌العمر بود (نک: شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۱/۲۶۷) - باید بیش از ۴ ماه باشد تا ایلاء بر آن صدق گردد و اگر کمتر از ۴ ماه باشد، ایلاء منعقد نمی‌شود و اگر ۴ ماه باشد، از منظر مفسران امامیه و مفسران عامه به جز مفسران حنفی مذهب، ایلاء محسوب نمی‌شود بلکه سوگندی بر ترک مباشرت است (نک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲: ج ۳/۶۲۳؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱/۷۴۹) اما درباره اینکه

مدت تربص از چه زمانی شروع می‌شود، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی ها- با استناد به ظاهر آیه- آن را از زمان سوگند خوردن مرد دانسته‌اند و برخی دیگر آن را از زمانی دانسته‌اند که زن به قاضی مراجعه کرده باشد(نک: قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۰۸/۳)

شرط سوم: شرط دیگری که ایلاء را محقق می‌سازد این است که انگیزه ایلاء کننده باید زیان رساندن به همسر خویش باشد، و چنانچه به مصلحت زن باشد؛ مانند بیمار بودن همسر، اصلاح شیر، ترس از آبستن شدن و ... ، حکم ایلاء را ندارد(نک: نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۴۰۲/۱۵-۴۰۳؛ مجلسی، بی تا: ۱۶۱) اما برخی دیگر از مفسران با استناد به عمومیت آیه، ایلاء را در اضرار زوج به زوجه منحصر ندانسته‌اند و سوگند بدون قصد اضرار را نیز ایلاء تلقی کرده‌اند(نک: جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳۱). شرط دیگری که ذیل این شرط می‌تواند عنوان شود این است که ایلاء باید از روی خشم باشد(نک: حکیم، ۱۳۹۱: ۸۴۸) گرچه برخی از فقهاء این شرط را نپذیرفتند(نک: طوسی، بی تا: ج ۵۱۸/۴)

شرط چهارم: یکی دیگر از شرائط تحقق ایلاء، رخداد آن در وقت حلیت آمیزش با زن است. طبق دیدگاه برخی از صاحب نظران قبل از ایلاء، زوج باید با زوجه مقاربت کرده باشد. در روایتی از امیرمومنان و نیز ائمه دیگر(ع) آمده است که فرمودند: ایلاء محقق نمی‌شود مگر اینکه مرد با همسرش مقاربت کرده باشد و ایلاء بر زنی که با او آمیزش صورت نگرفته، واقع نمی‌شود(نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۴۰۳/۱۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ج ۲۷۳/۲) اما از نگاه برخی دیگر، این شرط لازم نیست و در ایلاء، مطلق همسر- چه مدخول بها باشد چه نباشد- مراد نظر است(نک: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۷۲۱/۲)

برای ایلاء، شروط و احکام دیگری نیز مطرح شده است اما از آنجا که بیشتر رویکرد فقهی داشته و با رویکرد این مقاله ارتباط مستقیمی ندارد، از ذکر تفصیلی آن صرف نظر و در لابه‌لای مباحث و مرتبط با بحث گنجانده می‌شود.

۳. نگره‌ها در باب ایلاء با نظر داشت سیر تاریخی

در این بخش، با نگاهی کل نگر و به دور از پردازش جزئیات فقهی و با نظر داشت سیر زمانی در اختلاف نگره‌های قرآن پژوهان در باب ابقاء یا الغاء اصل حکم ایلاء، این نگره‌ها را دسته‌بندی نموده و به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۱ پذیرش مطلق حکم ایلاء

اصل حکم ایلاء مربوط به عصر جاهلیت و طلاق در آن دوران بوده که مرد با سوگندی از روی غضب و اضرار، از مجامعت با همسرش کناره می‌گرفت و به مدت یک‌سال یا دو سال و حتی بیشتر او را رها و سرگردان می‌ساخت (نک: جصاص، ۱۴۰۵ق: ج ۲/ ۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲/ ۲۴۹-۲۵۱؛ هواری، ۱۴۲۶ق: ج ۱/ ۲۰۰؛ ابن‌العربی، بی‌تا: ج ۱/ ۱۷۷).

از نظر بیشتر مفسران، ایلاء جاهلی با آیات ۲۲۶ و ۲۲۷ بقره تبصره زده شد و با این اصلاحیه، ابقاء شده و تبدیل به یک حکم امضائی دائمی گردید. با توجه به این آیات، زن حق ندارد تا ۴ ماه بعد از ایلاء از مرد درخواست آمیزش جنسی نماید اما مرد می‌تواند پیش از اتمام ۴ ماه، سوگند خویش را بشکند و با زن آمیزش کند. طبق دیدگاه مشهور و با استناد به آیه «ذَلِكَ كَفْرَةٌ أَيْمَنُكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» (مائده/ ۸۹)، در صورتی که زوج از سوگند خود بازگردد- خواه پیش از انقضای ۴ ماه یا پس از آن - باید كفاره بدهد، که می‌تواند اطعام ۱۰ مسکین یا لباس پوشاندن به آنان یا آزادسازی یک برده و اگر نتوانست سه روز روزه گرفتن باشد (مائده/ ۸۹). با توجه به ۴ ماهه بودن زمان تربص، مرد بعد از گذشت این مدت ملزم به انجام یکی از ۲ کار است: ۱- وجوب آمیزش جنسی (با توجه به واژه فی‌ء) ۲- طلاق. اما اینکه مدت ۴ ماه از چه زمانی آغاز می‌شود، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. از زمان سوگند خوردن مرد. ۲. از هنگام مراجعه زن به قاضی (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ق: ج ۱۱/ ۲۳۰). اگر شوهر تا پایان مدت ۴ ماه، از سوگند خود بازنگشت - با استناد به آیه ۲۲۶ بقره - حاکم اسلامی وی را میان بازگشت و طلاق دادن زوجه مخیر می‌کند (نک: محقق داماد، ۱۳۸۳ق: ج ۳/ ۲۲۸) و اگر از هر دو کار خودداری کرد به نظر مشهور فقهای شیعی، با زندانی کردن و سخت گرفتن، وی را به گزینش یکی از این دو راه مجبور می‌سازد و یا حکم طلاق توسط حاکم جاری می‌شود (نک: قرطبی، ۱۳۶۴ق: ج ۳/ ۷۳؛ طوسی، بی‌تا: ج ۴/ ۵۲۰).

بررسی آثار تفسیری موجود -از قرن‌های نخستین تا کنون- نشان می‌دهد که اصل ایلاء- با تبصره‌ای که اسلام به آن زده است- مورد پذیرش قریب به اتفاق مفسران متقدم، متأخر و معاصر است و تنها اختلاف نظری که با یکدیگر دارند، در برخی جزئیات احکامی است؛ برای نمونه در دوران معاصر اکثر مفسران، قید «غضب مرد» را در ایلاء مطرح نکرده‌اند در حالیکه در نگاه‌های متقدم، در بسیاری از آثار ذکر شده است. با این حال، هیچ اشاره‌ای مبنی بر نسخ این حکم- خواه هرگونه نسخی باشد- در دیدگاه‌های اکثریت دیده نمی‌شود (برای نمونه،

نک: بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۱/۱۹۴؛ هواری، ۱۴۲۶ق: ج ۱/۲۰۰؛ طوسی، بی تا: ۲/۲۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق: ج ۲/۱۴۹-۱۵۰ و ...^۲.

با وجود نکات ایجابی‌ای که در دیدگاه مشهور وجود دارد اما پذیرش این نگاه تفسیری به آیه، سوالاتی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ از جمله اینکه: آیا می‌توان پذیرفت که خداوند عادل، ۴ ماه تربص را حق مسلم مرد بداند و حق جنسی زن را در این مدت نادیده انگارد؟ آیا این مسئله با خطوط کلان شرع مقدس اسلام - که در صدد احیای جایگاه زنان بوده است - سازگاری دارد که مردی با سوگندی آمیخته با غضب و اصرار (نک: هواری، ۱۴۲۶ق: ج ۱/۲۰۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق: ج ۱/۳۰۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۲/۲۲۶)، زن را ۴ ماه از حق غریزی خود محروم سازد؟^۳ آیا ننگه داشتن عده بعد از طلاق مابعد تربص، ظلم مضاعف به زن نیست؟ سوالات مزبور و سوالات دیگری از این دست، پرسشی کلی‌تر و اساسی‌تر را پیش می‌کشد: آیا می‌توان نگاه اسلام به مسئله ایلاء را نگاهی «اصلاحی - امضائی» تلقی نمود یا اینکه باید در نحوه نگرش به آیه ایلاء رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت؟ که در ادامه، به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۲ پذیرش مشروط حکم ایلاء

طبق دیدگاه مشهور، زن بعد از رجوع به دادگاه باید ۴ ماه انتظار بکشد و بعد از این مدت، اگر طلاق برای او مقرر شد باید دوران عده را نیز بگذراند اما برخی از قرآن‌پژوهان معاصر - با استناد به برخی از اخبار موقوفه و مقطوعه - در پذیرش حکم ایلاء، این دیدگاه را نیز مطرح کرده‌اند که مدت ۴ ماهه تربص به‌عنوان دوران عده برای زن باشد. سید سابق، از قرآن‌پژوهان معاصر اهل سنت در این باره نوشته است: برخی مانند جابر بن زید، ابن رشد و ابن عباس می‌گویند: «عده بر این گونه زنان لازم نیست چون این گونه زنان در مدت چهارماه که با آنان نزدیکی نشده است، سه بار قاعده شده و سه حیض دیده‌اند»؛ بر این پایه، عده برای برائت از رحم است و چون در این چهار ماه، برائت رحم برای او حاصل شده است، عده دیگر لازم نیست (نک: سابق، ۱۳۹۷ق: ج ۲/۱۹۸). واژه «تربص» نیز می‌تواند اشارتی به این معنا داشته باشد زیرا در آیات مربوط به عده نیز از این واژه استفاده شده است: «الْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره/ ۲۲۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره/ ۲۳۴).

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۴۷

دیدگاه مزبور و رویکرد دیگر بسیاری از معاصران که «خشم مرد» را در ایلاء شرط ندانسته‌اند (برای نمونه، نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴۹/۲؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۴/۱۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۳۸۹/۱ و ..)، نشان می‌دهد که حدود و ثغور حکم ایلاء در نگاه قرآن پژوهان معاصر نیازمند تبصره‌هایی است تا با کرامت زن هم‌راستا گردد.

۳-۳ نسخ تمهیدی حکم ایلاء

رویکرد دیگری که در میان برخی از قرآن پژوهان معاصر دیده می‌شود، تمهیدی بودن نسخ ایلاء است، که مفهوم و ادله آن را در ادامه ذکر می‌کنیم.

۳-۳-۱ مفهوم نسخ تمهیدی

نسخ، از جمله مفاهیم پربسامد در علوم قرآنی است که در اصطلاح مشهور خود، دارای دو رکن «ناسخ» و «منسوخ» است اما برخی از اندیشمندان معاصر با دسته‌بندی نسخ به ۳ دسته «نسخ مشروط»، «نسخ تمهیدی» و «نسخ تدریجی»، از آن مفهوم مصطلح مشهور پای را فراتر گذاشته و دریچه‌های جدیدی را به روی این مسئله باز کردند (نک: معرفت، ۱۳۸۳: ۲۳؛ همو، ۱۳۹۰: ۶۷).^۴ از منظر آنان، نسخ تمهیدی، مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی برای صدور یک حکم و نسخ تدریجی، ناظر به روند تدریجی نسخ است (نک: معرفت، ۱۳۸۳: ۲۳). می‌توان میان نسخ تمهیدی و تدریجی، این‌همانی برقرار کرد و نیز می‌توان با تفاوتی ظریف، آنها را دو نوع جداگانه تلقی کرد زیرا در نسخ تمهیدی، مقدمه‌چینی صورت گرفته اما صدور نهایی حکم ممکن است در زمان ۲۳ ساله نزول واقع نشده باشد؛ مانند: برده‌داری که زمینه نسخش فراهم شد اما حکمی نهایی ابلاغ نگردید ولی در نسخ تدریجی، روند تدریجی الغای یک حکم، به صدور نهایی منتهی شده است مانند شراب‌خواری که در ۴ مرحله - در عصر نزول - تحریم گردید (نک: احمدی‌نژاد، حسینی‌زاده و ابوترابی، ۱۳۹۷؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ج ۲۱، ۹۸-۹۹)

۳-۳-۲ ادله نسخ تمهیدی ایلاء

آنچه در این بخش عنوان می‌شود، ادله و شواهدی است که امکان نسخ تمهیدی آیه ایلاء را بیان می‌کند.

۳-۲-۱ همسانی رویکرد اسلام در احکام مشابه

اسلام در قبال احکام و قوانین عصر جاهلیت، چند رویکرد را در پیش گرفت؛ رویکرد نخست: با برخی از احکام به سختی برخورد نموده و آنها را الغاء کرد؛ مانند: «ربای در معاملات» (نک: بقره/ ۲۷۵). رویکرد دوم: گاهی همان حکم موجود در عصر جاهلیت را تأیید کرد مانند: محرمیت مرد با مادر و خواهر رضاعی (نک: فیاضی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). رویکرد سوم: گاهی قانون جاهلی را با افزودن تبصره‌هایی اصلاح کرده است مانند:ظهار (نک: وسمقی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶) یا می‌توان به اصلاح روشهای ازدواج اشاره کرد که اسلام از میان آنها، روش خواستگاری را تأیید و بقیه را مردود شمرد (نک: شهرستانی، بی‌تا: ج ۲/ ۲۴۶)^۵.

در واقع اسلام، زیست فردی و اجتماعی مردم را متن قرار داده و بر آن حاشیه می‌زده و هر جا می‌دیده که فلان رفتار یا معامله - با زیست درست مردم - تناسبی ندارد، آن را اصلاح می‌کرده است (گیلانی و میرزای قمی، ۱۳۴۱ق: ج ۲/ ۳۶۸) اما گاهی بستر و محیط اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای بود که امکان اصلاح احکام در بازه زمانی کوتاه‌مدت وجود نداشت بلکه می‌بایست بستر لازم فراهم شود تا تعلقات محیطی و قبیله‌ای و ارزشی کم‌رنگ‌تر شده و امکان تغییر و اصلاح فراهم آید، چرا که هدف اسلام هدایت مردم بوده و هدایت‌گری فرآیندی مدت‌دار و گام‌به‌گام است مخصوصاً در مسائلی که جزء چالش‌های عصر جاهلیت محسوب می‌شده که مهم‌ترین آنها مسائل مربوط به حقوق زنان و حقوق بشر بوده است. از جمله این مسائل، برده‌داری است که در صدر اسلام تمام دنیا را فراگرفته بود و شرائط به گونه‌ای نبود که این بیماری یک‌باره از جامعه بشری برطرف گردد. از این رو، اسلام با سیاست گام‌به‌گام خود با این بیماری مبارزه و آن را از جامعه اسلامی حذف نمود. بدین صورت که در گام نخست، راه‌های برده‌گیری را به میدان جنگ محدود کرد و زنان و کودکان و سالمندان را از این مسئله خارج نمود. در گام دوم، راه‌های آزادی بردگان را باز کرد و برای کفاره برخی گناهان و برای رسیدن به ثواب، آزاد کردن بردگان را تشویق کرد. حقوق زنان نیز در زمره همین مسئله قرار می‌گیرد تا اسلام بتواند گام به‌گام و با سیری تمهیدی و برخوردی محتاطانه با فرهنگ‌های بنیادگرفته از جهلی درازدامن، شخصیت از دست‌رفته آنان در عصر جاهلیت را احیاء سازد (نک: معرفت، ۱۴۲۳ق: ۱۴۹-۱۵۰؛ همو، ۱۳۸۸: ج ۷، ۱۷۱-۱۷۵).

اسلام در برخورد با ایلاء، ابتدا بدون هیچ اظهارنظری، رویکردی نادیده‌انگارانه در پیش گرفت اما در سال چهارم هجری که آیات ۲۲۶ تا ۲۲۷ بقره نازل گردید، با در نظر گرفتن انتظار ۴ ماهه، از شدت این حکم ظالمانه جاهلی^۶ کاست. در چنین وضعیتی که اسلام - به‌خاطر

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۴۹

فراهم شدن زمینه اصلاح - ۱۷ سال با این حکم جاهلی کنار آمده بود، با لحنی ملایم و تربیتی و هدایتی و با ذکر صفات رحیم و غفور، اولین تبصره را مطرح کرده و می‌فرماید: «لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (بقره/ ۲۲۶). با عنایت به این اسما و توجه به ارتباط اسما الهی پایان آیه با مضمون آیه، خداوند از روی رحمت و غفران، بازگشت مؤولی از این سوگند ظلم‌آمیز را مورد آمرزش قرار داده (نک: طبری کیه‌راسی، ۱۴۰۵ق: ج ۱/ ۱۴۷) و با در پیش گرفتن روشی نرم، این عادت ظالمانه‌ای که در بین مردان بوده را تقلیل داده و زمینه را فراهم سازد تا این ظلم جهل‌آمیز مردان به زنان به تدریج برچیده شود.^۷

۳-۲-۲-۳-۲ ناسازی ایلاء با کرامت و نیاز جنسی زن

آنچه در این بخش به آن پرداخته می‌شود، ذکر شواهد قرآنی و روایی‌ای است که دائمی بودن حکم ایلاء را با سؤالاتی مواجه می‌سازد.

۳-۲-۲-۳-۱ تحلیل قرآن‌بنیان

در رابطه با حق جنسی زن، اختلاف دیدگاه‌های زیادی در میان صاحب‌نظران دیده می‌شود. فقهاء معمولاً رابطه جنسی را حق زن ندانسته و آن را حق مرد دانسته‌اند تا جایی که طبق فتوای برخی از فقیهان، اگر مرد ۴ ماه از خانه بیرون باشد ولی هزینه زندگی زن را بپردازد، زن حق طلاق ندارد اما این دیدگاه را نمی‌توان پذیرفت زیرا ازدواج برای حفظ عفت زن و مرد به طور یکسان به وجود آمده است و نپذیرفتن حق جنسی زن، ازدواج را به جای آنکه مایه حفظ عفت و پاک‌دامنی زن سازد، سبب انحراف او می‌گرداند و علت آن هم این است که زن نیز در ازدواج همان تمایلات جنسی مرد و شاید بیشتر از وی را دارد (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳/ ۵۵۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵/ ۳۳۸) و بعد از ازدواج، این تمایلات که پیشتر پنهان بودند، بیدارتر می‌شوند و بیشتر نیازمند ارضاء می‌گردند (نک: فضل الله، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

در مصحف شریف، آیاتی چند وجود دارد که می‌تواند در این باره مورد استناد قرار گیرد. از جمله این آیات، آیه «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/ ۲۲۸) است. این آیه گرچه در سیاق آیات طلاق قرار گرفته اما اختصاصی به امر طلاق ندارد و دارای اطلاق است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲/ ۱۵۶) و بر اساس آن، هر حقی که مرد بر زن دارد، زن نیز بر مرد دارد به جز: ۱) حق انفاق؛ زیرا زن نباید هزینه زندگی خود و همسرش را بپردازد. ۲) حق طلاق. بنابراین مانند همان وظایفی که بر عهده زنان است، به طور شایسته،

به نفع زنان بر عهده مردان نیز است. بنابراین، آیه مزبور همه حقوق را دربر می‌گیرد (فضل الله، ۱۳۸۹: ۱۰۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ج ۱/۳۸۳).

از جمله آیات دیگر، آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) است. این آیه با تقدم بخشیدن حقوق زنان بر مردان توجه ویژه‌ای به این حقوق داشته و به آن تأکید داشته ورزیده است و این تأکید صرفاً از باب مسائل اخلاقی نیست بلکه از حیث اجراء و عمل به آن اهتمام ویژه‌ای شده است. سپس بیان می‌کند که حقوق زن و شوهر برابر است و ملاک عرف را نیز ملاک معقول و قابل قبول می‌شمارد. «بالمعروف»، از کلمات پرمعنا و دارای فواید فراوان است و مقصود هر چیزی است که به حسن معاشرت و ترک زیان رساندن باز می‌گردد. در تفسیر تبیان ذیل آیه مزبور آمده است: «حقی که زنان در حسن معاشرت بر شوهران دارند مانند حق اطاعت از شوهران بر زنان است» (طوسی، بی تا: ج ۲/ ۲۴۱). به عبارت دیگر، همان‌گونه که بر زن واجب است که در ادای حقوق مشروع مرد از او اطاعت کند، بر مرد نیز واجب است که در ادای حقوق زن از او اطاعت نماید.

«معروف» در این آیه شریفه، چیزی است که نزد مردم پسندیده باشد؛ یعنی، معروف عرفی، مقصود است نه معروف تشریحی (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۴۰۴-۴۰۵). بنابراین نمی‌توان گفت که احکام شرعی، معروف بودن رابطه زناشویی را معین می‌سازد. بلکه باید گفت که این آیه به معنای عرفی‌اش، حاکم بر این احکام و یا به دلیل معارضه این احکام با راهبردهای کلان شریعت و مخالفتشان با خط کلی قرآن، معارض با این احکام است. حق جنسی، عنصری حیاتی در زندگی زناشویی است و زندگی زناشویی در شکل کلی‌اش مبتنی بر آن است و در نگاهی عمیق بدان قوام می‌یابد و بسیاری از مردم بر اساس نیاز جنسی، رغبت به ازدواج می‌کنند. (نک: فضل الله، ۱۳۹۲: ۳۱۰-۳۱۲)

از مجموع نظر مفسران در ذیل این آیه به دست می‌آید که آیه مزبور بر همه زوایای زندگی مشترک نظر دارد. بدیهی است که یکی از مصادیق مهم و انکارناپذیر حسن معاشرت در زندگی مشترک، توجه به خواسته‌ها و نیازهای زن است که یکی از آنها نیاز جنسی است؛ فضل الله در تبیینی دیگر چنین می‌گوید:

ما در حکم "اختصاص حق جنسی زن به چهار ماه" با فقها اختلاف نظر داریم، چرا که ما حق جنسی زن را نزدیک به حق جنسی مرد می‌دانیم؛ پس همانطور که در هنگام تمایل مرد تمکین زن واجب است، تمکین مرد هنگام تمایل زن نیز واجب است. و این از آیه‌ای که خداوند تعالی در قرآن در این باب آورده به دست می‌آید و آن، آیه کریمه «و لهن مثل

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۵۱

الذی علیهن بالمعروف» است که از آن، پارامتر تساوی حقوق زن و مرد در همه موارد ممکن الوجودی استفاده می‌شود مگر حقوقی که با ادله ایجابی و سلبی خارج شود؛ مانند: طلاق و قیمومت. همان‌گونه که ازدواج برای تحصیل مرد تشریح و ایجاب شده، برای تحصیل زن نیز قرار داده شده است؛ در غیر این صورت، چگونه غرض از ازدواج که تحصیل حقوقی است درباره زن حاصل می‌شود؟! ما از این جدال فقهی درباره این مسئله که آیا در هر چهار ماه مسمای مقاربت کفایت می‌کند یا نه، تعجب می‌کنیم! اگر قایل به کفایت مسمی صرف باشیم دیگر برای زن چه فایده‌ای در امر ازدواج حاصل خواهد شد و تبیین کننده صفت حقیقی بالمعروف می‌باشد؟ و در غیر تحقیق ایجابی به نوعی تمرد دینی کرده‌ایم و این یک بزه حقیقی خواهد بود. (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ج ۴/۲۸۱)

قرآن دستور می‌دهد که مبادا زن را سرگشته و بلا تکلیف نگه دارید (نساء/ ۱۲۹). این دستور مختص تعامل مرد با همسرش در صورت تعدد زوجات نیست بلکه عنوان مستقلاً است که در هر جا انطباق یافت، طبع مردم آن را ناخوش می‌دارد. علاوه بر این، این احکام با قاعده نفی حرج منافات دارد. برخی فقهاء معتقدند که حرج ناشی از حکم نیست و ناشی از واقعیت است اما در واقع چنین نیست زیرا حکم به مشروعیت امتناع شوهر از اشباع نیاز جنسی همسرش، اساساً دشواری‌زاست در حالیکه در لسان قرآن آمده است که: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَا لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/ ۱۸۵) (نک: فضل الله، ۱۳۹۲: ۳۱۰-۳۱۲). این آیه با اینکه در سیاق آیات مربوط به روزه قرار گرفته اما در حقیقت به تمام احکام ناظر است (نک: مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۱/ ۵۰۵).

شاهد دیگر، آیه ۱۲۹ سوره نساء است که چنین می‌فرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»^۱. طبق این آیه شریفه، امکان برقراری عدالت میان زنان وجود ندارد و بنابر اطلاق آیه، یکی از مصادیق عدالت، عدالت جنسی است. خداوند در اینجا به مخاطبان هشدار می‌دهد که مبادا زن را «معلقه» کنید؛ معلقه، به زنی می‌گویند که بلا تکلیف باشد به‌گونه‌ای که معلوم نیست شوهر دارد یا بیوه است (لا ایم و لا ذات بعل). (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱/ ۵۵۷). چنین برخوردی با زن، مورد نهی آیه قرار گرفته است در حالیکه در ایلاء نیز زن بلا تکلیف بوده و تعبیر «لا ایم و لا ذات بعل» نیز در تعریف ایلاء لحاظ شده است.

علاوه بر آیات مزبور، سیر تکاملی تشریح در قرآن نیز در رابطه را احیاء کرامت زن باید مورد توجه قرار بگیرد. طبق نظر بسیاری از مفسران، یکی از عوامل محقق در ایلاء، غضب و اضرار مرد است (نک: جصاص، ۱۴۰۵ق: ج ۲/ ۴۴؛ هواری، ۱۴۲۶ق: ج ۱/ ۲۰۰؛ طبری، ۱۴۰۵ق:

ج ۲/ ۲۴۹-۲۵۱؛ ابن عطیه اندلسی، ۴۲۲ق: ج ۳۰۲/۱ و...؛ که علت این خشم، یا مخالفتی از سوی زن بوده است؛ که می‌تواند در مسئله تمکین جنسی (نشوز) یا غیر آن باشد یا اینکه خوی قهرآمیز مرد و یا کراهت پدید آمده از زن، سبب بروز این خشم و در نتیجه، ایلاء شده است.

طبق برخی از نگره‌ها، سوره بقره در جایگاه تنزیلی ۸۷ قرار دارد که بعد از آن- در موضوعات مرتبط- سوره‌های ذیل قرار گرفته‌اند: سوره ممتحنه (۹۱)؛ سوره نساء (۹۲)؛ سوره حج (۱۰۴)؛ سوره مجادله (۱۰۶) (نک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۳۰). از منظر برخی دیگر از محققان نیز سیر این نزول چنین است: سوره بقره (۹۰)؛ سوره حج (۹۹)؛ سوره نساء (۱۰۴)؛ سوره مجادله (۱۱۱)؛ سوره ممتحنه (۱۱۲) (نک: معرفت، ۱۳۸۱: ۹۱). با توجه به ترتیب تنزیلی، سوره بقره قبل از سوره ممتحنه، نساء و حج نازل شده است. با نظرداشت این ترتیب، اگر عامل خشم، نشوز زن باشد، طبق آیه ۳۴ سوره نساء مراحل درمانی آن چنین است: ۱- فَعِظُوهُنَّ؛ ۲. اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ؛ ۳- اضْرِبُوهُنَّ. طبق این قاعده، اولین تصمیم، ملاطفت با زن و وعظ وی است؛ یعنی مرد باید با نرم‌خویی و حوصله، زن را از نشوز منصرف و یا عوامل نشوز زن را برطرف نماید. مرحله بعدی، دور خوابیدن از یکدیگر در بستر است؛ یعنی اگر ملاطفت و دلسوزی پاسخگو نشد، بی‌اعتنایی به زن مطرح است تا وقتی که از نشوز دست بردارد. ملاک عمل در نشوز زن، رعایت حدود الهی است و هر جا زن، دست از نشوز برداشت نباید مورد بی‌مهری قرار گیرد: «فَإِنْ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيْلًا» (نساء / ۳۴). در مرحله سوم، مسئله ضرب مطرح است؛ ضربی که از سر دلسوزی، بسیار خفیف و برای هشدار به زن و نه از سر کینه و با شدت باشد. (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۵۵۵) و در صورت حل نشدن مسأله، در گام بعدی خداوند همچنان مرد را مسئول پیگیری امور خانواده قرار داده است و برپایی دادگاهی خانوادگی و آبرومند را مطرح می‌کند و در گام نهایی، مسئله طلاق را پیش می‌کشد (نک: نساء / ۳۵) اما هیچ‌گاه به مرد این دستور را نمی‌دهد که مدتی طولانی- شبیه آنچه در ایلاء است- زوجه را رها و سرگردان سازد. و اگر خشم ایلائی، به‌خاطر کراهت مرد از زن باشد، می‌توان به آیه ۱۹ سوره نساء استناد کرد که: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» و با پیوند آن به آیه بعدی که می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ أْتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» (نساء / ۲۰)، به‌وضوح می‌توان این ندای خداوند حکیم را شنید که: اگر نتوانستی خیر خداوند را در زنی که از او کراهت داری ببینی، طلاق را برگزین و مهریه را تمام و کمال به او بپرداز!

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۵۳

گاهی نیز خشم افراد، از روی خلق و خوی غلط و عادت استبدادی ناشی می‌شود. بر این اساس، اگر غضب بی‌دلیل دستاویز بهانه‌جویی و سبب ایلاء گردد، اقتدا به شیطان و ظلمی بی‌پرده و آشکار است، که به فرموده خداوند غیرقابل پذیرش است: «انَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم/۲۲)؛ «اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران/۵۷). اما اگر به جز خشم و کراهت، ایلاء عامل دیگری داشته باشد؛ مانند: تصرف اموال زن، تولد دختران بسیار توسط زن؛ تنزل دادن زن از مقام زوجیت و ...، همه اینها از مصادیق بارز ظلم محسوب می‌شود و هیچ تردیدی نیست که خداوند عادل - که یکی از اهداف آخرین شریعتش، احیاء شخصیت از دست‌رفته زنان در محیط عربستان بود - ایلاء برخاسته از عوامل مزبور را حتی به مدت ۴ ماه - نمی‌پذیرد (نک: دروزه، ۱۳۸۳ق: ج ۶، ۴۰۸-۴۱۱).

۳-۲-۲-۲-۲ تحلیل روایت محور

مسئله حقوق از جمله مسائلی است که از زمانهای بسیار دور مورد توجه اسلام و پیشوایان دین بوده است چنانکه رساله حقوق از جمله کهن‌ترین نگاهشده‌هایی است که از امام سجاد(ع) باقی مانده و یکی از حقوقی که در این کتاب مورد توجه ایشان بوده، حق و نیاز جنسی زوجه بوده است که فرموده است: «قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۲). زن از نظر غریزه جنسی بر شوهر حق دارد و این حق باید تمام و کمال عمل شود و اگر مرد بتواند و سستی کند، ظلم نموده و حق او را ادا نکرده است، که در این‌باره روایات زیادی وجود دارد (نک: مظاهری، ۱۳۸۹: ج ۱/۳۴۹).

بنابر آموزه‌های روایی؛ شوهر در قبال تأمین نیاز جنسی زن مسئولیت دارد، چنانکه می‌توان به روایات بسیاری مانند قضیه مربوط به عثمان بن معظون و دیگران اشاره نمود که مورد غضب پیامبر اکرم(ص) واقع می‌شود (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵/۴۹۴). این موارد از برآوردن نیاز جنسی زن به عنوان حق زن بر مرد یاد شده است (نک: پسندیده، ۱۳۹۱: ۲۰۱).

در فقه اهل سنت نیز - با استناد به روایات - به مسئله ارضاء جنسی زن از جانب مرد توجه شده است؛ از جمله این که مالکیه، نکاح و عقد را تملیک انتفاع جنسی مرد از زن می‌داند اما پاسخ دادن به نیازهای جنسی زن را برای مرد در صورتی که عذری نداشته باشد واجب می‌داند (نک: جزایری، ۱۴۰۶ق: ۲). احمد بن حنبل همانند مالک، استمتاع را علاوه بر مرد حق زن هم می‌داند. (ابن قدامه، ۱۴۲۱ق: ج ۲۳/۷). همچنین واقعه‌ای منقول از عمر بن خطاب وجود دارد که زنی از دوری همسرش شعر می‌خواند و غم‌ر دلیل ترک آن زن از سوی

شوهرش را خواست؛ به او پاسخ دادند که شوهر او سرباز است و پس از آن فرمان داد که به سربازها مرخصی دهند تا به خانه خود بروند (متقی هندی، ج ۱۶ / ۴۵۲ - ۵۷۳)

تشریح ازدواج، برای حفظ عفت زن و مرد به طور یکسان است و روایتهای زیادی این مطلب را تأکید می‌کند. از جمله اینکه مستحب است زن در آغاز جوانی ازدواج کند. روایات متعددی وجود دارد که ازدواج را وسیله‌ای معرفی می‌کند که از راه تأمین و اشباع غریزه جنسی، زن و مرد را از انحرافات مصون داشته و به آنها عفت می‌دهد. در برخی از گزاره‌های روایی - که پیشتر ذکر گردید - آمده است که شهوت زن از شهوت مرد بیشتر است. با این وجود، چگونه می‌توان پذیرفت که زن بیش از ۴ ماه انتظار بکشد و نیاز جنسی‌اش را نادیده بگیرد؟ در روایتی آمده است که اگر مردی با زنان متعدد ازدواج کند و با آنان آمیزش نداشته باشد و یکی از آنان مرتکب زنا شود، گناهش بر گردن آن مرد است (فضل الله، ۱۳۹۲: ۳۱۰-۳۱۲).

با وجود روایات متعددی که بر حق و نیاز جنسی زن تأکید داشته، از آنجا که بسیاری از روایات مربوط به ایلاء در شرائطی نزدیک به شرائط زمان نزول صدور یافته است، مسئله ایلاء را به همان نحو صدور یافته مورد توجه قرار داده‌اند و در همان محدوده سخن گفته‌اند؛ که البته با چارچوب و نگاه کلان بسیاری از روایات و آیات دیگر - چنانکه اشاره شد - همخوانی ندارد.

۳-۲-۳-۳ عدم تبصره به عوامل ایلاء

یکی دیگر از دلایلی که می‌تواند فرضیه تمهیدی بودن نسخ ایلاء را تقویت کند، نوع تبصره‌ای است که خداوند به این حکم زده است. در ایلاء، دو مسئله بسیار اهمیت دارد؛ یک مسئله، مدت زمان ایلاء و مسئله دیگر، عامل ایلاء است. در قرآن مجید، تنها مدت زمان ایلاء مورد تبصره واقع شده و از مدتی نامعلوم، به ۴ ماه تقلیل داده شده است اما درباره عوامل ایلاء - که پیشتر به آن اشاره شد - هیچ سخنی گفته نشده است. مردمان عرب - به ویژه در عصر جاهلیت - انسانهایی هیجانی و احساسی بودند که بسیار سریع برانگیخته می‌شدند که بررسی تاریخ زندگی خانوادگی، اجتماعی، جنگ‌های بین قبائل و ... این واقعیت را تأیید می‌کند. (نک: وسمقی، ۱۳۸۸: ۴۳).

عوامل ایلاء، هر چه باشد، ناظر به جایگاه متزلزل و متنزل زن در عصر جاهلیت و ظلم بی‌حد و حصر مرد به اوست، که دین اسلام همت خود را مصروف داشت تا این نگاه تحقیرآمیز به زن را از میان بردارد. اگر بنای اسلام بر این بود که حکم ایلاء را ابقاء نموده و پرونده آن را در عصر رسالت مختومه سازد، به عوامل ظلم‌آمیز حکم نیز تبصره می‌زد و تنها به تقلیل زمانی

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۵۵

بسنده نمی‌کرد. فرضیه ابقای این حکم با عوامل مزبور، سکوت ضمنی خداوند بر تأیید آن است در حالیکه تردیدی در ظلم‌آمیز بودن این مسئله وجود ندارد که برای مثال، مردی از روی فوران احساسات و غضب مقطعی - حتی به مدت ۴ ماه - همسرش را از حق جنسی خود محروم ساخته و نیز مانع ازدواج او با دیگران شود. این مسئله با خطوط کلان آیات قرآن و صفات الهی و رویکرد اسلام در قبال زن و تلاش برای ترفیع مکانت او سازگاری ندارد اما چنان‌که گفته شد، اسلام در طول ۱۰ سال نمی‌توانست با تمام قوانین و سنت‌های کهن و ریشه‌دار مردم مبارزه نموده و همه آنها را به یکباره برچیند. بر این اساس، باید این تبصره را نخستین تبصره و تمهیدی برای کنار گذاشتن حکم ایلاء در ادوار بعدی تلقی نمود.

ممکن است این اشکال مطرح گردد که برخی از احکام شبیه دیگر مانند ظهار نیز در عصر جاهلیت وجود داشته‌که - برخلاف ایلاء - مورد ابطال و تحریم قرآن قرار گرفته است. برای پاسخ به این سوال باید گفت: درباره ظهار - که در آیات آغازین سوره مجادله به آن پرداخته شده است - سبب نزول خاص و معتبری وجود دارد که سبب حرمت دفعی آن در دوران مدنی شد. بدین توضیح که: بعد از ظهور اسلام یکی از مسلمانان مدینه، همسر خود را ظهار کرد اما بعد از مدتی از کار خود پشیمان شد. همسرش نزد رسول خدا (ص) رفته و جریان را عرضه داشت و راه چاره‌ای خواست تا دوباره شوهرش به او برگردد و سر این مسئله، با حضرت مجادله می‌کرد و به درگاه خدا شکوه می‌نمود. در اینجا بود که آیات شریفه مورد بحث نازل گردید (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۳۱۲/۱۹) اما در ایلاء چنین چیزی مطرح نشده است. علاوه بر این، در آیات ظهار - با توجه به جایگاه مردان در صدر اسلام - حل مسئله به‌نوعی به نفع مرد صادر شده است و نیز مجادله آن زن سبب گردیده که چنین حکمی صادر گردیده و مساله حل شود (نک: مجادله / ۱-۴). به علاوه چنانکه در ترتیب نزول ذکر شد، آیات ظهار بعد از آیات ایلاء نزول یافت و محدود کردن ایلاء می‌تواند مقدمه‌ای برای تحریم ظهار نیز در نظر گرفته شود.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی نگره‌های قرآن پژوهان از سده‌های نخستین تا کنون نشان می‌دهد که در دوران متقدم و متأخر، حکم ایلاء - با همه قیودی که دارد - مورد پذیرش بوده است اما در دوران معاصر، دو رویکرد دیگر نیز رخ‌نمائی می‌کند؛ رویکرد نخست، با پذیرش ایلاء و ضیق نمودن حدود و ثغور آن، قائل به همسانی دوران تربص و عدّه است و از عوامل ایلاء نیز، غضب مرد

را نمی‌پذیرد. رویکرد دوم، مبتنی بر نسخ تمهیدی حکم ایلاء است و بر پایه ادله ذیل، آن را حکمی موقتی و محیط‌محور تلقی می‌کند: ۱- اسلام در مواجهه و مبارزه با فرهنگ‌های عریق و نادرست جاهلی، رویکردی دفعی و تهاجمی نداشته بلکه با برخوردی تدریجی، گام‌به‌گام و حکیمانه سعی در اصلاح آنها داشته اما با توجه به بازه زمانی ۲۳ ساله رسالت، امکان اصلاح برخی از فرهنگ‌ها مانند برده‌داری، برخی از مسائل مربوط به حقوق زنان و... در مدت مزبور مهیا نگشت. ۲- حکم ایلاء، با کرامت و حق جنسی زن تنافی دارد و این تنافی را می‌توان از گزاره‌ها و آموزه‌های قرآنی - روایی متعددی برداشت نمود. ۳- اسلام، به عوامل ظلم‌آمیز ایلاء تبصره‌ای نزده بلکه تنها مدت‌زمان آن را تقلیل داده، که این مسئله نیز نشان‌گر عدم جاودانگی حکم مزبور است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این باره روایات زیادی نیز وارد شده است (نک: بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۷/۷۷۷-۷۷۸).
۲. آثار مختلف به ترتیب زمانی بررسی شد اما هیچ دیدگاه متفاوتی در سده‌های مختلف متقدم و متأخر - در باب ابقاء یا الغاء اصل حکم ایلاء یافت نشد.
۳. در رابطه با غریزه جنسی زن، در روایتی آمده است: «فُضِّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ بِتَسْعَةٍ وَ تِسْعِينَ مِنَ اللَّذَّةِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَلْفَىٰ عَلَيْهَا الْحَيَاءَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳/ ۵۵۱). و در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا هَاجَتْ كَانَتْ لَهَا قُوَّةُ شَهْوَةِ عَشْرَةِ رِجَالٍ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵/ ۳۳۸).
۴. «نسخ عقلی و عقلائی» و «نسخ وارونه» از جمله اقسام دیگری است که توسط نواندیشان دینی مطرح شده است که به خاطر ضعف ادله قابل پذیرش نیستند (نک: احسانی، طیبی و مرتضوی، ۱۳۹۸).
۵. برای موارد دیگر، نک: شهرستانی، بی‌تا: ج ۲/ ۲۴۹.
۶. سعید بن مسیب گفته است: «ایلاء، من ضرار اهل الجاهلیة بود چون مرد، زنی داشتی که با او خوشش نبودی و نخواستی که شوهر دیگر کند سوگند خوردی که با او نزدیکی نکند او را رها کردندی نه بیوه بودی و نه شوهر دار. این چنین می‌کردند در جاهلیت و اسلام...» (شهبازی، محمود، ۱۴۱۷ق: ج ۱/ ۳۱۳).
۷. برخی از محققان، رویکرد اسلام در قبال ایلاء را اصلاحی تدریجی ندانسته بلکه آن را ابطالی و الغائی دانسته‌اند (نک: دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰: ۱۳۸) گرچه هر دوی این دیدگاهها به یک نتیجه منتج می‌شود.

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ابلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۵۷

۸. و شما هر چند حریص [بر عدالت] باشید، هرگز نمی‌توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زن‌ها [بی‌کیه در عقد خود دارید] عدالت ورزید، پس تمایل خود را به طور کامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید.

کتاب‌نامه

- قرآن مجید (۱۳۸۳). مترجم: حسین انصاریان، تهران: اسوه.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق). *السراير الحاوی لتحريير الفتاوى*، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين
- ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا يحضره الفقيه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین
- ابن عطيه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجيز فی تفسير الكتاب العزيز*، بيروت: دارالکتب العلمیة
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۲۱ق). *المقنع فی فقه الامام احمد بن حنبل الشيباني*، جده: مکتبه السوادی.
- ابن العربی، محمد بن عبدالله (بی‌تا). *احکام القرآن*، بيروت: دار الجیل.
- ابیاری، ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الموسوعة القرآنیة*، قاهره: موسسه سجل العرب.
- احسانی، کیوان، طیبی، علیرضا و مرتضوی، سید ابراهیم (۱۳۹۸). *نقد نظریه نسخ عقلی از دیدگاه عقل*، قرآن و حدیث، نشریه کتاب قیم، دوره ۹، شماره ۲۱، ص ۶۳-۸۳
- احمدی‌نژاد، حسینی‌زاده و ابوترابی (۱۳۹۷). *معناشناسی نسخ تدریجی، مشروط و تمهیدی از منظر آیت‌الله معرفت*، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۷-۲۳
- بروجردی، حسین (۱۳۸۶). *منابع فقه شیعه*، تهران: فرهنگ سبز.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بيروت: دار احیاء التراث
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق). *الفقه علی المذاهب الاربعه*، (نسخه دیجیتال).
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*، بيروت- لبنان: دار الکتب العلمیة.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). *شناختنامه تنزیلی سوره های قرآن کریم*، قم: تمهید.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۱). *رضایت زناشویی*، قم: دار الحدیث
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء
- حکیم، محمد سعید طباطبائی (۱۳۹۱). *توضیح المسائل*، قم: مهر ثامن الائمه.

۵۸ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

- دامن پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۰). بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳). التفسیر الحدیث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۶). روشها و گرایش های تفسیری، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- سابق، سید (۱۳۹۷ق). فقه السنه، بیروت - لبنان: دار الکتب العربی.
- شهابی، محمود (۱۴۱۷ق). ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا). الملل و النحل، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت - لبنان: دارالمعرفه.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). فتح القدر، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر - دار الکلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸). ترجمان فرقان، قم: شکرانه
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری کیهراسی، علی بن محمد (۱۴۰۵ق). احکام القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الخلاف، قم: موسسه النشر الاسلامی
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- فضل الله، محمد حسین (۱۳۸۹). دنیای زن، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی
- فضل الله، محمد حسین (۱۳۹۲). دشواره های فهم اجتهادی شریعت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- فیاضی، مسعود (۱۳۹۴). ماهیت احکام امضائی، مطالعات اسلامی، فقه و اصول، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۱۰۲، ص ۴۵-۱۲
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). الجامع لاحکام القرآن، تفسیر قرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ابلاء با نظر داشت ... (رضوان جلالی فر و دیگران) ۵۹

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گیلانی و میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ق). *جامع الاشتات فی اجوبه السؤالات*، تهران: موسسه کیهان
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (بی تا). *کنز العمال*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد تقی (بی تا). *یک دوره فقه کامل فارسی*، تهران، فراهانی.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*، تهران: دار محیی الحسین.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۹). *اخلاق در خانه*، قم: اخلاق.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق). *شبها و ردود حول القرآن الکریم*، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۰). *قرآن و فرهنگ زمانه*، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱). *علوم قرآنی*، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸). *الکاشف*، مترجم: موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامی.
- هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶ق). *تفسیر کتاب الله العزیز*، الجزائر: دار البصائر.
- وسمقی، صدیقه (۱۳۸۷). *زن، فقه، اسلام*، تهران: صمدیه.
- وسمقی، صدیقه (۱۳۸۸). *بصاعت فقه و گستره نفوذ فقهاء*، بی جا: بی نا.